

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: راب گولند- Rob Gowland
برگردان از: آمادور نویدی
۲۳ اکتوبر ۲۰۱۷

«کشور یاغی» واقعی کدام ست؟ (بخش ۱)



احتمالاً ملاحظه کرده اید که چگونه بولتن های خبری استرالیا (و رسانه های جهان سرمایه داری) به طور یکنواخت جمهوری دمکراتیک خلق کوریا (کوریا شمالی) را «کشور یاغی» می خوانند. البته، ابتدا یانکی ها این اصطلاح زشت را به کار بردند، اما تمام متحدان و دست نشانندگان همفئد حریف امریکا به سرعت همگام شدند. در استرالیا، حتی کانال تلویزیونی دولتی (ای بی سی) هم از این اصطلاح استفاده می کند. اما انسان باید از خود بپرسد: چرا؟

کوریا شمالی به هیچ کشوری حمله نکرده است، هیچ کودتائی را علیه دولت های منتخب دمکراتیک سازماندهی نکرده است، بارها در مجمع عمومی ملل متحد، محاصره اقتصادی بر کشور دیگری را تحمیل ننموده است، با پهباد (هواپیمای بدون سرنشین) عملیات تروریستی و ترور انجام نداده است، و هیچ گروه تروریستی را مسلح و حمایت مالی ننموده که شهروندان عادی را بکشد و دولت های کشور های دیگر را که از او اطاعت نمی کنند، بی ثبات سازد.

به عبارت دیگر، امریکا همه این جنایات را مرتکب شده است – و هنوز هم بیشتر جنایت می کند. حال دقیقاً به نظر شما کدامیک یاغی واقعی ست؟

در سال ۱۹۱۶، نماینده بزرگ صلح جهانی و روابط متمدن بین امریکا و کشورها، وودرو ویلسون به تفنگداران امریکائی دستور حمله به جمهوری دومینیک را داد و آن کشور را برای شش سال آینده اشغال نمودند. با این حال، واقعاً پس از جنگ جهانی دوم بود که تلاش های امریکا جهت جلوگیری از انتخاب دولت های چپگرا یا «تغییر رژیم» (رژیم چنچ) به نفع شرکت های بزرگ (کورپورات ها) و سرمایه گذاری های امریکا سرعت گرفت.

این تلاش‌ها با سازماندهی آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا و تأمین مالی عملیات تروریستی در اروپای غربی پس از جنگ شروع شد تا از پیروزی احتمالی جنبش مقاومت ضدفاشیستی به رهبری کمونیستی جلوگیری نماید. در همان حال، آمریکا در یونان جهت جلوگیری از پیروزی چپ‌گرایان در جنگ داخلی یونان جانشین بریتانیا شد. (قبل از جنگ جهانی دوم، بریتانیا با افتخار طرح‌ها و دسیسه‌ها را علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی رهبری می‌کرد، اما تغییر در تعادل نیروها در درون امپریالیسم منجر به آن شد که جنگ نقش رهبری را پس از جنگ به آمریکا واگذار کند).

پس از پیروزی سرخ‌های چینی در سال ۱۹۴۹، آمریکا بقایای ارتش «ملی‌گرا» (ناسیونالیست) ضد کمونیست چیان‌کای شیک را به تایوان - شمال تایلند انتقال داد تا بتواند شروع به «آزادی» چین کند. با این حال، آن‌ها ثابت نمودند که به جز آن‌که در تجارت سود آور موادمخدر درگیر شوند، کمترین علاقه‌ای به جنگ با ارتش سرخ چین نداشتند.

در همان سال، آمریکا با موفقیت کودتایی را در سوریه مهندسی کرد و نیروی تهاجمی ضدانقلابی به البانی فرستاد. این طرح آخری توسط شوروی (و از این رو مقامات البانی)، جلوتر و به طور کامل توسط مأمور شوروی کیم فیلیب افشاء شد و نیروی تهاجمی به سرعت برچیده شد. با این وجود، آمریکا همچنان به طور فعال تا سال‌های ۱۹۵۰ تلاش نمود که با خرابکاری، دولت کمونیستی البانی را سرنگون سازد.

آمریکا از سال ۱۹۵۱ تا سال ۱۹۵۶ - با کمک بریتانیا - بدون موفقیت تلاش نمود تا یک کودتای ضد کمونیستی را در تبت انجام دهد و دلای لا ما را به عنوان رهبر رسمی یک دولت ضد چینی حامی امپریالیست بر سر قدرت بنشانند.

با این حال، آمریکا در سال ۱۹۵۳، موفق به سازماندهی کودتایی در ایران شد و دولت ملی نخست وزیر محمد مصدق را سرنگون کرد، که به دنبال معطوف کردن حداقل مقداری از سود شرکت نفتی آنگلو ایرانی (ای آی اسی، حال بی پی - برتیش پترولیوم) به خود ایران، و محدود کردن فعالیت‌های شرکت بود.

اگرچه مقامات اطلاعاتی بریتانیایی نقش اساسی در شروع و طرح ریزی کودتا بازی کردند، و شرکت نفت آنگلو ایرانی ۲۵ هزار دلار جهت رشوه به مقامات ایرانی هزینه کرد، اما در اگست ۲۰۱۳، آژانس اطلاعاتی آمریکا (سی آی ا- سیا) تصدیق کرد که مسئول هر دو طرح و اجرای کودتا، از جمله رشوه به سیاستمداران ایرانی و مقامات بلند پایه امنیت و ارتش، همچنین ارائه تبلیغات حامی کودتا بوده است. سیا اعتراف کرده است که کودتا «تحت نظارت سیا» و «به عنوان اقدامی از طرف سیاست خارجی آمریکا، در بالاترین سطوح دولت طرح و تصویب» شد.

سال بعد، رئیس جمهور آمریکا آیزنهاور، به نمایندگی از طرف شرکت امریکائی میوه (یو اف سی)، که از یک انحصار بالقوه در این کشور لذت برده بود، کودتایی را در گواتمالا به راه انداخت. درگیری شرکت امریکائی (یو اف سی) به حدی آشکار بود که حتی پانچ مجله طبقه حاکم بریتانیا یک صفحه کامل کارتون را منتشر ساخت که مجسمه آزادی نه یک مشعل، بلکه خوشه‌ای کامل از موز را نگه داشته بود.



پیش از کودتا، رژیم منتخب دمکراتیک خوان خوسه آریوالو حداقل دست‌مزد و افزایش بودجه آموزش و پرورش را معرفی کرده بود، در حالی که جانشین او جاکوب آربنز، اصلاحات ارضی را بنا نهاد تا برای دهقانان بی زمین مالکیت

اعطاء نماید. برای شرکت امریکائی میوه که روابط مستقیمی با وزیر امور خارجه آیزنهاور (جان فوستر دالس) و برادر او، رئیس سیا آلن دالس داشت، چنین اقدامات سوسیالیستی تکان‌دهنده تهدیدی غیرقابل قبول به‌نظر می‌آمد. کودتای امریکائی منجر به چهار دهه جنگ داخلی در گواتمالا شد، چرا که دیکتاتورهای نظامی مورد حمایت امریکا مرتکب جنایاتی مانند نسل‌کشی علیه مردم مایان شدند (اقداماتی‌که، دولت امریکا هرگز به طور قابل توجهی علیه آن جنایات موضع نگرفت).

در سال ۱۹۵۷، امریکا با این ادعا که از طرف شوروی طرحی جهت تصرف حکومت سوریه جود دارد، تلاش نمود تا در سوریه مداخله کند. ترکیه متحد امریکا در مرز سوریه نیروی نظامی بسیج کرد. اتحاد جماهیر شوروی تهدید نمود چنانچه به سوریه حمله شود دست به عمل متقابل هسته‌ئی می‌زند، و امریکا هم به همین صورت تهدید نمود چنانچه ترکیه مورد حمله قرار گیرد، اما پس از مقداری شمشیر از رو بستن‌ها (نمایش نیروی نظامی)، امریکا و ترکیه عقب‌نشینی کردند.

در همین‌حال، در سرتاسر سال‌های ۱۹۵۰، امریکا، بریتانیا، و استرالیا تلاش نمودند تا سوکارنو رئیس‌جمهور «غیرمتعهد» اندونزی را برکنار سازند. وفاداری یا سرسپردگی سوکارنو برای آنچه که در دوران جنگ سرد اتفاق افتاد بسیار مبهم بود، در حالی‌که او با امریکا، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و چین به طور نرمال برخورد می‌کرد، اما غرب می‌خواست او را برکنار سازد. در سال ۱۹۵۵، علی‌رغم مخالفت‌های نیکسون معاون رئیس‌جمهور، سیا نقشه ترور رئیس‌جمهور سوکارنو را کشید. در طول سه سال آینده، سیا تلاش کرد تا با تأمین مالی از مخالفان سیاسی و رشوه به دیگر مقامات دولتی سوکارنو را سرنگون سازد. این خرابکاری‌ها تا ۲۵ سپتامبر ۱۹۵۷ ادامه داشت، تا زمانی‌که سرانجام رئیس‌جمهور آیزنهاور به سیا دستور سرنگونی دولت سوکارنو را ابلاغ نمود. در سال ۱۹۵۸، عمال نظامی اندونزی، با حمایت سیا، علیه حکومت رئیس‌جمهور سوکارنو شورش کردند. این تلاش جهت کودتا با شکست روبه‌رو شد.

در بخش بعدی به مداخلات امریکا در کودتاها، دسیسه‌های مرگبار و تلاش‌های متعدد جهت بی‌ثبات‌سازی - و جنگ‌های واقعی - در کوبا، کنگو و بسیاری از مکان‌های دیگر می‌پردازیم. ادامه دارد

درباره نویسنده:

راب گولند، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست استرالیاست که مقالات روشنگرانه‌ای در گاردین - ارگان این حزب به رشته تحریر در می‌آورد.

برگرداننده شده از:

The Guardian
The Worker's Weekly

Who is the real "Rogue State"? (Part 1) /Issue #1791 - August 23, 2017

<http://www.cpa.org.au/guardian/2017/1791/16-culture.html>